«فرهیختگان» از نهمین نشست «دانشگاه؛ خانه گفت‌وگو» گزارش می‌دهد

به اصلاح ساختارهای اقتصادی نیاز داریم

عکاس: آرشاوین احمدیت

دانشگاه آزاد اسلامی بعد از اتفاقات اخیری که در کشور افتاد، تصمیم به برگزاری نشست‌هایی با عنوان «دانشگاه، خانه گفت‌وگو» گرفت. موضوع نهمین جلسه، بررسی وضعیت اقتصادی کشور بود. در جلسه‌ای که این هفته در تاریخ ۱۷ بهمن‌ماه برگزار شد، معضلات و مسائل کلان اقتصادی توسط معاونان و اساتید دانشگاه آزاد بیان و بررسی شد. هدف نشست‌های دانشگاه، خانه گفت‌وگو، افزایش فرهنگ گفت‌وگو بین جامعه علمی و اساتید است. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح‌شده در این نشست را می‌خوانید.

!!!

پایه اصلی تشویقی برای استادان مشارکت‌کننده در طرح تحول

محمدکاظم کاوه پیشقدم، مدیرکل ارتباطات اجتماعی و فرازسازمانی دانشگاه آزاد

درنتیجه برگزاری جلسات دانشگاه خانه گفت‌وگو در نیمسال گذشته طرح اعتلا در دانشگاه اجرایی شد. افتتاحیه این طرح در دانشگاه برگزار شد و به‌زودی نتیجه‌اش نمایان برای این بخش توسط توانمندسازی ادارهٔ مالی معاونت توسعه انجام خواهد شد. براساس این طرح استادهایی که ۳۶ جلسه در این طرح شرکت داشته باشند؛ یک پایه تشویقی برای آنها درنظر گرفته می‌شود. آیین نامه جلسات دانشگاه خانه گفت‌وگو نوشته شده و افرادی که در طرح شرکت می‌کنند از امتیاز فرهنگی برای ارتقا برخوردار خواهند شد. این نیز درنتیجه نظراتی بود که دوستان ارائه دادند‌اند. افرادی که تا امروز در این جلسات شرکت داشته‌اند، صرفا برای مشارکت در این جلسات بودند، برای مثال دکتر محبی‌نیا در همه جلسات شرکت و مشارکت داشته‌اند. برگزاری جلسات دانشگاه خانه گفت‌وگو در روزهایی که فضای دانشگاه بسیار ملتهب بود، باعث شد تا حاضران جلسه بدانند که صدایشان به گوش افراد بالادستی می‌رسد.

قدرت خرید مردم در سال‌های اخیر به‌شدت کاهش یافته است

سیدیعقوب زراعت کیش، معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه آزاد واحد علوم‌وتحقیقات

اقتصاد یکی از مباحث چندبعدی و اختلافی آکادمیک در حوزه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی است. به نظرم یکی از مباحث پیچیده علوم محسوب می‌شود و نباید اقتصاد را خیلی ساده و تنها در یک لایه و یک‌وجه درنظر گرفت. اقتصاد کلان با یک‌سری از متغیرهای کلان اقتصادی سروکار دارد. مهم‌ترین این متغیرها در کشور مختلف نقدینگی، نرخ ارز، نرخ سود بانکی یا نرخ بهره، آمار صادرات و واردات یا حجم تجارت آن کشور، رشد اقتصادی و بسیاری از متغیرهای اینچنینی را شامل می‌شود. هرکدام از این متغیرها که دچار نوسان یا یک تغییر در آنها ایجاد شود و دچار شوک شوند؛ اثرش روی دیگر متغیرها نیز کاملا مشهود است و سایر متغیرها را دچار نوسان خواهد کرد. این امر را می‌توان به‌صورت دقیق توسط علم ریاضی نیز اندازه گرفت. تورم و نرخ بیکاری ۲ متغیر کلان مهم اقتصادی هستند که روی دیگر متغیرها تاثیر دارند و از دیگر متغیرها تاثیر می‌گیرند. در چندسال اخیر به‌خصوص در دهه ۹۰ شاهد نوسان شدید و شوک ۲ متغیر نرخ ارز و نقدینگی در کشور بوده‌ایم؛ درنتیجه شوکی که به این ۲ متغیر وارد شد، اثراتی روی دیگر متغیرهای اقتصادی نیز داشت. درحال‌حاضر کشور نزدیک ۶ هزار میلیارد تومان نقدینگی دارد که این میزان بسیار زیاد است، ازسوی دیگر قیمت ارز به‌طور مشخص افزایش قابل‌توجهی داشته و تا ۲۲ هزار تومان نیز رسیده است. این اتفاق در هر کشوری رخ دهد، به‌طور قطع تاثیر خود را روی دیگر متغیرهای کلان اقتصادی خواهد داشت. سوال اینجاست که چرا این ۲ متغیر دچار شوک و نوسان شده‌اند؟ دلایل مختلفی برای این امر وجود دارد که یکی از مهم‌ترین‌های این امر تجربه‌های ظالمانه‌ای بود که دشمن بعد از فتنه ۸۸ ایجاد کرد. در این زمان دشمن احساس کرد که فضای فشار بیشتر به کشور برای تشدید فشارها آماده است، درنتیجه تشدید تحریم‌ها نرخ ارز دچار نوسان شد و اشتباهات مدیریتی به‌خصوص در سال ۹۶ و اوایل ۹۷ این افزایش نرخ ارز را تشدید کرد. این امر آنقدر در این سال‌ها تکرار شده که به‌محض تغییر در نرخ ارز، قیمت‌های کالاها نیز به تناسب آن تغییر می‌کنند. به‌بیان دیگر با کوچک‌ترین تغییر کاسبان بازار نیز قیمت‌های اجناس خود را با همان میزان تغییر محاسبه و افزایش می‌دهند. در سال ۱۳۹۴ سفری به کشورهای اروپایی داشتم و سید خرید خود را هر روز یادداشت می‌کردم، برای مثال اگر نان، مربا و گوشت می‌خریدم یا از خدماتی مانند موبر استفاده می‌کردم نیز قیمت آن را یادداشت می‌کردم. از سوی دیگر میزان درآمد افراد مختلف با مشاغل متفاوت را نیز یادداشت می‌کردم. به‌طور قطعی در سال ۱۳۹۴ قدرت خرید مردم ایران در مقایسه با مشاغل مشابه کشورهای اروپایی بهتر بود. تا همان زمان با وجود تحریم‌ها و شوک اقتصادی قدرت خرید مردم ایران به نسبت کشورهای اروپایی با مشاغل مشابه بالاتر بود. به‌بیان دیگر با توجه به آنکه آنها درآمد بیشتری داشتند، اما قیمت‌های اجناس نیز در آن کشورها به نسبت ایران بیشتر بود و قدرت خرید مردم ایران بالاتر بود. همین اندازه‌گیری را در یک‌سال اخیر نیز تکرار کردم که به‌طور قطع قدرت خرید مردم کشور به صورت محسوسی کاهش داشته است. سوالی که اینجا مطرح است: این است که کار دولت در این شرایط پیرامون کنترل تورم، افزایش تولید و اشتغالزایی باشد و به‌عبارت دیگر شرایط اقتصادی کشور را سرو‌سامان بدهد.

برخی اتفاقات اقتصادی یک‌سال اخیر نقدینگی را افزایش داد

قبلا هم مطرح شد، همه متغیرها روی یکدیگر تاثیر دارند. تا زمانی که دولت فکری به‌حال جمع کردن نقدینگی نکند؛ هیچ کدام از سیاست‌های اقتصادی اثر نخواهد داشت. در یک سال اخیر برخی اتفاقات اقتصادی نقدینگی را بیشتر از قبل کرد. در بحث یارانه‌ها طرح‌های مختلفی مطرح شد، یکی از آنها کارپردیاراینه‌ای نقدی برای کالاهای مصرفی مردم بود. در همان زمان بارها این موضوع را بیان کردم که دیگر نباید دولت یارانه نقدی به مردم بدهد. سال ۱۳۸۸ احمدی‌نژاد کاری را شروع کرد و روحانی نیز آن را ادامه داد و آقای رئیسی نتها آن را کم کرد. این درحالی است که مقام‌معظم‌رهبری در کشور خودشان برنامه‌های اقتصادی را تبیین می‌کنند، برای مثال اقتصاد مقاومتی را ایشان به‌صورت یکی از برنامه‌های درست و جذاب مشخص کرده‌اند و برنامه گام دوم به‌صورت مشخص را اعلام و مسیرها را مشخص کرده است؛ با بار هم ما هیچ سیاست اقتصادی دیگری جز پرداخت یارانه نقدی را بلد نیستیم؟ همین پرداخت یارانه نقدی خود تورم‌زاست و بودجه بیت‌المال را هدر می‌دهد. نتیجه این اقدام در ۵ ماه اخیر به‌خوبی قابل‌رویت است. تا این متغیر نقدینگی را درنتیجه کنترل نکرد؛ هیچ کدام از متغیرهای دیگر اقتصادی از قبیل بیکاری آن‌گونه که باید کنترل نمی‌شوند، درنتیجه این توضیحات باید اولین کاری که در کشور انجام می‌شود؛ کنترل این غده سرطانی نقدینگی باشد. در زمینه کنترل نرخ ارز راهکار وجود دارد و چرا ما باید در مقابل نوسانات ارزی تا بسود و قدرت خرید مردم ایران بالاتر بود. همین اندازه‌گیری را در یک‌سال اخیر نیز تکرار کردم که به‌طور قطع قدرت خرید مردم کشور به صورت محسوسی کاهش داشته است. سوالی که اینجا مطرح است: این است که کار دولت در این شرایط پیرامون کنترل تورم، افزایش تولید و اشتغالزایی باشد و به‌عبارت دیگر شرایط اقتصادی کشور را سرو‌سامان بدهد.

باید تمام حکمرانی اقتصادی در کشور ارتقا پیدا کند

ابوالفضل غیاثوند، عضوهیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

اقتصاد امروز کشور با مشکلات زیادی مواجه است و همه این موارد نیز به علت آن است که به نسبت دهه ۹۰ یک سوم تولن سرانه کشور از دست رفته است. تولن سرانه فعلی نسبت به سال ۱۳۹۰ کاهش ۳۵ درصدی را داشته و توزیع درآمد نیز ناعادلانه‌تر شده. در نتیجه این امر به‌طور طبیعی بخش عمده‌ای از جمعیت کشور با کاهش عمده‌ای در سطح رفاه مواجه هستند و منشا همه موارد مانند تورم همین امر است. با توجه به اقداماتی که در ۲ دهه گذشته انجام شده، براساس علم اقتصاد مشکلات امروز کشور کاملا مشخص بود. علم اقتصاد می‌گوید باید کشور درآمد سرانه خود را افزایش دهد و در کنار افزایش این توزیع عادلانه‌تری را این درآمد در کشور انجام شود. اگر این ۲ اتفاق رخ دهد سطح رفاه جامعه بالاتر خواهد رفت. از سوی دیگر کشور که منابع به دست مشکل ثروت رفت، با به‌سمتی حرکت کرد که منابع به سمت خلق ثروت رفت، با اطمینان سطح رفاه جامعه افزایش پیدا می‌کند. اما اگر عوامل موثر کشور به جای تولید ثروت به سمت توزیع آن برود و مردم کشور به دنبال کسب درآمد بیشتر بروند به جای خلق ثروت این مشکلاتی که امروز در کشور وجود دارد پیش خواهد آمد. همه این عوامل باعث شده باید رشد پیدا نکرده است. بعد از انقلاب ۲ آرمان استقلال و عدالت وجود داشت و متاسفانه سیاست‌های تحلیق این ۲ آرمان به سمت توزیع آن رفته است. همین امر باعث شده که برای تحقق سیاست‌های حمایتی انواع رانت‌ها در دولت ایجاد شود. حمایت گلخانه‌ای از تولیدات داخلی نیز عامل دیگری شده تا تولید داخلی آطور که باید انجام نشود. توجه به افزایش درآمدهای نفتی از دولت خارجی برقرار توزیع رانت در کشور شد که از دهه ۸۰ آغاز شد. همین توزیع رانت باعث شد تا افراد زیادی از آن نفع ببرند و امروز برای رفع آن همین ذی‌نفعان مانع آن می‌شوند. برای رفع این مشکلات باید نظام حکمرانی اقتصادی در کشور ارتقا پیدا کند.

نظام حکمرانی و دولت‌ها با مردم دچار تعارض منافع هستند

رضاکبری نوری، عضوهیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب

زمانی که از اقتصاد صحبت می‌کنیم از چیستی و چرایی آن می‌توانیم حرف بزنیم. با این کار خروجی‌هایی که درحال‌حاضر به‌عنوان یک پدیدارشناس شاهد آن هستیم؛ بررسی می‌کنیم تا بدانیم وضعیت به چه صورت است. آنچه من متوجه شدم این است که اگر بخواهیم درباره اینکه ایران چه کشوری است صحبت کنیم می‌توانیم نسبت بلندنالایی درست کنیم و همین طور اگر بخواهیم اینکه ایران چه کشوری است؛ نسبت بلندنالایی درست کنیم و همین طور اگر بخواهیم اینکه ایران چه کشوری است؛ نسبت بلندنالایی را مشکلات بنویسیم این لیست نیز بسیار بلند‌بالا است و احتمالا از حوصله ما خارج است. هر موضوعی که در مورد آن می‌آورد، زمینه‌هایی آن وجود دارد و حکایت می‌شود. یعنی زمانی که کما را شرایط نامساعد اقتصادی صحبت می‌کنیم می‌توانیم موارد آورده است. نظام سیاسی ما تمام عوامل خود را رو کرده است. تمام دولت‌ها از استخوان‌بندی نظام سیاسی بودند و درحال حاضر ما چه چیزی داریم که رو کنیم؟ پس مشکل کارگزار نیست. به قدری این موضوع برجسته شد که تمامی کاندیداهای این انتخابات از تغییر ساختار صحبت می‌کردند و مانعی داشتیم که منظورشان چیست؟ امروز نظام حکمرانی و دولت‌ها با مردم دچار تعارض منافع هستند. اگر دولت‌ها بخواهند خودشان را نگه دارند باید سیاست‌هایی وضع کنند که به ضرر مردم است. ما تنها کشور دنیا هستیم که اقتصاد و سیاست را به صورت همزمان اداره می‌کنیم. حتی چین هم این کار را نمی‌کند. به این سادگی‌ها هم نتوانستیم از آن خارج شویم. اقتصاد دولتی در هیچ جای دنیا نتوانسته کشوری را به نتیجه برساند. نتیجه این است که اقتصاد نا کارآمد موضوع دیگر اینکه نسبت دارایی با بدهی در دولت‌ها توسط توم جبران می‌شود. دولت‌ها با تورم از ورشکستگی خارج می‌شوند و این سیکل معیوب ادامه دارد. دولت‌های ما در ۳۰ سال گذشته با ۱۰ دصد تورم از ورشکستگی خارج می‌شدند اما درحال حاضر حتی با ۷۰ دصد تورم هم از ورشکستگی خارج نمی‌شود. ۷۲ درصد بودجه دولت روی دستمزد کارکنان است و برای اینکه گلیم خود را از آب بیرون بکشد جیب مردم را خالی می‌کند و با شرایط موجود امکان تحقق نیست دقت مستمر وجود ندارد. تمام این موارد مانع اصلاحات گرم گشا می‌شود.

مشکلات اقتصادی از فرهنگ نشات می‌گیرند

محمدمهدی موحدی، عضوهیات علمی دانشگاه آزاد واحد فیروزکوه

نگاتی وجود دارد که می‌خواهم بگویم، اما قبلش این را هم تاکید می‌کنم که بنده نیم پر لیوانی که دکتر زراعت کیش می‌بیند را به سختی می‌بینم. مثلا نیمه پری که در بنزین و سیمان سازی می‌بینید اراجی اگر در تهران رفت و آمد داشته باشید هم‌نخواهید دید. آسفالتی که ما انجام می‌دهیم تنها دو یا سه ماه دوام دارد. بنزین هم که هوا را آلوده کرده و صادرات آن سر بسخت است. صرفا مجریان را نادرست می‌دانید اما ما اعتقاد داریم که سیاست و اهداف نیز مشکل دارد. شما در بحث دولت صحبت از جراحی اقتصاد دولت و ماتسفانه سیاست‌های راهکارها باید جند ساله را مورد توجه قرار دهیم.

اول اینکه قبل از بحث اقتصادی دولت و ماتسفانه سیاست‌های ریشه‌ای حل شود؛ چراکه بحث فرهنگی بوده و شامل حوزه ارتباطات می‌شود. اصلا ما فرهنگ ارتباط داخلی و خارجی حرارت داشتگاه را توجه به شرایط تذکر دهد. در بحث‌هم‌در ج‌ح آهمی در روزنامه‌هم‌دم‌زمه‌دم‌می‌باشد. ما دانشگاه‌در انتخاب‌ما‌رهبری‌که‌بینشهادات‌مختار است.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آباد کتول

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه ۴

این کار قیمت آن پایین می‌آید مردم برای خرید آن هجوم می‌برند و کسی توجهای نمی‌کند چراکه اعتمادی در این حوزه وجود ندارد.

بعد دیگر فرهنگ کار است. شما اگر افرادی را در سمتی بگذارید این افراد حتی ۲۰ دقیقه هم در طول روز کار مفید انجام نمی‌دهند. حتی اگر تولید را توسعه دهیم با حضور این افراد اتفاقی نمی‌افتد. فرهنگ تولید هم مساله بعدی است. تولید را انجام می‌دهید که نقدینگی را مهار کنید، اما وقتی درنهایت شرکتی در حوزه خودروسازی می‌گوید من زیان‌ده هستم، سوالی که پیش می‌آید این است که برای تولید چه کار کرده‌اید؟ در عمان اگر جنسی گران باشد مردم نمی‌خرند و روی دست کارخانه باد می‌کند. اما در ایران کارخانه‌دار به این نتیجه می‌رسد که درصورت گران شدن کالاها مردم بیشتر می‌خرند. مردم نمی‌خریدند اما درحال‌حاضر که روزبه‌روز گران‌تر می‌شود مردم می‌خرند. در نتیجه کارخانه‌دار به این نتیجه می‌رسد که هرچه بیشتر گران شود، مردم صف طولانی‌تری می‌کشند. بنابراین قبل از آن باید مشکلات ریشه‌ای حل شود.

یک‌سوم از میانگین درآمد خانوارها از دست رفت

سیدعلی موسوی، عضو مرکز پژوهش‌های مجلس

ما اگر بخواهیم تصویری از چند دهه اخیر داشته باشیم شامل دو وجه می‌شود، یک وجه آن رشد سرمایه انسانی است. ما از بعد از انقلاب شاهد تحولات عاقلانه‌ای بودیم. به لحاظ امید به زندگی، نرخ سواد، دسترسی به آموزش، دسترسی به بهداشت، دسترسی به زیرساخت‌ها انرژی رشد قابل‌قبول و مناسبی را داشتیم. این مورد چیزی است که به آن فهم چندبعدی می‌گوییم. در این حوزه، نظام سیاسی تمرکز داشته است. به‌خصوص در حمایت از مستضعفان و محرومان خودش را در این حوزه نشان داده است. وجه دیگر موضوع این است که در بقیه حوزه‌ها تصویر مطلوب و مناسبی نداریم. رشد اقتصادی دهه ۴۰ تقریبا ۱۱ درصد بوده است. بعد از جنگ تا اوایل دهه ۹۰ میانگین رشد اقتصادی ما ۵ درصد بوده است. این دهه اخیر میانگین رشد اقتصادی به ۲ درصد رسیده است. تورم مزمن بعد از جنگ، حدود ۲۰ درصد بود و تنها کشوری بودیم که این شرایط را داشتیم و کشور دیگری این میزان تورم را نداشته است و تنها کشور نزدیک به ما ونزوئلا بوده که تورم بالای ۱۰ درصد داشت. به لحاظ شاخص‌هایی که به‌عنوان عوامل موثر در نظر گرفته می‌شود مانند رقابت‌پذیری، شاخص‌های شفافیت، فضای کسب‌وکار، معمولا جزء ۱۰ تا ۲۰ درصد آخر لیست‌های جهانی قرار دارند.

در یک دهه گذشته فضا بد‌تر شد و نزدیک به ۳۲ درصد درآمد سرانه در این یک دهه کاهش پیدا کرد و یک‌سوم درآمد میانگین خانوارها عملا از دست رفت و نرخ فقر حدودا ۱۰ درصد افزایش داشت. به نظر می‌رسد در این چند دهه دولت‌ها و نظام حکمرانی منابعی را در اختیار داشتند و این امکانات برخلاف کشورهایی است که متکی به عوامل بیرون‌اند‌اند. تقریبا از ۵۳ به بعد درآمدهای نفتی قابل توجه بوده است و اتکا به این منابع داشتند و بنابراین نوع سیاست را مبتنی بر این واقعیت می‌گذاشتند که درآمد بیرون‌زایی وجود دارد. ما یک هدف یا عنوان حمایت از مستضعفان داریم و منابعی باید به این موضوع تخصیص داده شود. دوم اینکه این منابع وجود داشته و چه دولت که اقتصاد را در برداشته و چه بخش خصوصی تا جایی که توانستند، تلاش‌شان این بود که اگر نا کارآمدی وجود دارد یا استفاده از این منابع به نوعی پوشش داده و دیده نشود. شرکت دولتی و خصوصی با انواع و اقسام قراردادها و مناسبات توانستند از این موضوع بهره ببرند. بخش مهم نیز گروه‌های ذینفع هستند که به‌صورت طبیعی حول منابع شکل می‌گیرند و می‌خواهند بخشی از اقتدار را به خودشان اختصاص دهند. درحال حاضر اتفاقی که افتاده اینکه مناسبات به‌واسطه تحریم‌ها و منابعی که به آن اتکا داشتیم بعد از انقلاب به‌واسطه تحریم‌ها و منابعی که وجود داشته، تمام شده است. بنابراین نیازی نیست به‌صورت پیچیده به موضوع نگاه کنیم. این مناسبات تغییر کرده و نظام حکمرانی باید بپذیرد که در بحث درآمدهای برون‌زا اگر تحریم برداشته شود، تفاوت چندانی نخواهد داشت.

ساختار اقتصاد دولتی کشور باید اصلاح شود

سروش فتحی، عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران غرب

چند نکته در مورد این بحث وجود دارد. اول اینکه اقتصاد ما دولتی - سیاسی است. وقتی به میزان ۹۰ درصد اقتصاد دولتی داشته باشیم، طبیعتا تا وقتی این حوزه جراحی نشود هر چقدر که درباره آن صحبت کنیم به جایی نمی‌رسد. این ساختار باید اصلاح شود. اقتصاد دولتی ناکارآمد است. حسابرسی عملکرد بسیار اهمیت دارد و اقتصاد دولتی ناکارآمد منشا مشکلات است. دومین مساله اینکه دولت حجیمی داریم و منابع مملکت صرف امور جاری می‌شود و در مقابل درصد بودجه عمرانی ما کم شده است. زیرساخت‌های اقتصادی ضعیف شد، چراکه دولت هزینه‌داری داریم، درحالی که دولت باید چابک شود و تا چابک نشود مشکل حل نمی‌شود. بحث دیگر شاخص‌محور کردن حوزه عملکردی است. هر سازمانی بدون استثنا باید شاخص‌محور شود. عدم انجام و اداره امور به‌صورت سیستماتیک یکی دیگر از مشکلات است. کشور به‌صورت سلیقه‌ای اداره می‌شود. هرکس نباید برای خودش به‌صورت سلیقه‌ای کار کند. به عبارتی ریل گذاری انجام می‌شود و هر کس که آمده است باید طبق آن پیش برود. نه اینکه بتواند به سلیقه و خواست خودش عمل کند. ۴۰ سال از انقلاب گذشته و مدیریت منسجم فرآیندی‌محور سیستماتیک در حوزه صادرات و واردات نداریم. هر ۲۰ روز شوکی به مردم وارد می‌شود، متاسفانه ما سیستم منسجم صادرات و واردات نداریم.

مشکل اقتصاد ناشی از پیوند پنهان صاحبان قدرت و ثروت است

علیرضا سلطانی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد تهران مرکزی

پیشنهاد من این است که حالا که به مسائل اقتصادی رسیدیم هفتگی جلسات را دنبال کنیم. ریشه اصلی تمام مسائل اقتصاد است. چندروز پیش آقای رئیس‌جمهور در توییتی نوشتند که آینده را برای اقتصاد، سفره مردم و معیشت بسیار روشن می‌بینیم. اگر این عبارت را محور بحث قرار می‌دادیم که رئیس دولت بر چه مبنایی، چنین پیش‌بینی‌ای دارند. آینده مشخص نیست که چه زمانی است؟ منظور از اقتصاد چیست؟ اگر گفته می‌شد که می‌بینیم بسیار تفاوت داشت تا اینکه بگویند می‌بینیم. البته این موردت تنها مربوط به دولت رئیسی نیست. دولت‌های قبلی نیز این محتوا را در صحبت‌های خود گفته‌اند. این جمله چه تاثیری بر اقتصاد ایران گذاشت؟ مردم تا چه حد از این جمله تاثیر گذاشتند؟ آیا باعث شد که انتظارات روانی آرام بگیرد؟ آیا فعالان اقتصادی ما توانستند به امید و نشاطی برسند؟ خیر، از کنار آن رد شدند. کاش این جمله و جملاتی از این دست محور صحبت‌ها قرار می‌گرفت.

بحث مولدسازی نیز مهم است. درحالی که انتقادهای بسیار تندی به سال‌های خود دارد، چرا باید اجرایی شود؟ مشکل اقتصاد ایران ناشی از پیوند پنهان صاحبان قدرت با صاحبان ثروت است و این موضوع به ساختار اجرایی مانوفذ کرده است و بازار ارز را کنترل می‌کند و به نتیجه‌ای نمی‌رسد.

کاستی‌های اقتصادی به‌دلیل چابک نبودن دولت است

علیرضا صالحی، هیات‌علمی دانشگاه آزاد واحد علوم‌وتحقیقات

من صحبت‌های دوستان را تحلیل محتوا می‌دانم. یکی از کلمات پرتکرار، مشکل بود. کلمه مشکل چه معنی‌ای می‌دهد و از کجا به‌وجود می‌آید؟ راهکار من این است که مبم مشکل را بردارایم و شکل باقی می‌ماند. می‌توانیم در مشکلات خود بگوییم که این چه شکل برخودرد است؟ چه شکل رانندگی است و... پس بنابراین اولین مساله این است که مبم مشکلات را بردارایم و به ریشه آن برسیم. اینکه مشکل از ساختار مدیریت است دروافع یک شکل است. اگر شکل‌ها اصلاح شوند، مشکل‌ها نیز برطرف می‌شوند. دومین کلمه‌ای که در تحلیل‌ها می‌شود شکایت افراد از سیستم است. سیستم‌ها رفتار افراد را شکل می‌دهند، پس زمانی که سیستم مشکل دارد رفتار من نیز مشکل‌دار است. پس اشکال از سیستم‌ها است و باید اصلاح شوند.

مورد سوم نیز بحث چابک‌سازی است. چابک‌سازی یک مفهومی است که به‌آن توجه نمی‌کنیم و تمام کاستی‌هایی که در مسائل اقتصادی گفته شد به‌دلیل نبود این مفهوم است. بنابراین اگر اشکالی وجود دارد در مدل است. پس باید چابک‌سازی را در تمام قوا انجام دهیم. ما مشکل پاسخگویی در انواع و اقسام آن داریم. سیستم ما سرعت ندارد و پاسخگو نیست. کارایی و اثربخشی وجود ندارد.

باید برنامه‌ریزی صحیحی برای وضع موجود داشته باشیم

شهلا سهرابی، عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد واحد تهران غرب

با نگاه خلاقانه و حل مساله اگر بخواهیم به مساله‌ای نگاه کنیم باید از بالاتر و دورتر به آن نگاه کنیم. من دو نکته از بیانات مقام‌معظم‌رهبری می‌گویم. استفاده از واژه تحول به این دلیل است که ما از وضع موجود راضی نیستیم و در وضع موجود خوبی به‌سر نمی‌بریم. ایشان می‌فرمایند: «مقصود ما از تحول، ایجاد یک حرکت جهشی و جهادی است در همه بخش‌های اداری کشور و بخش‌های حکمرانی کشور و همچنین در بخش‌هایی از سبک زندگی عمومی - که حالا بعد نمونه‌هایی را عرض خواهم کرد- به‌طور خلاصه، حفظ و تقویت اصول و خطوط اساسی انقلاب و نوآوری در شیوه‌ها و روش‌ها و کارکردها، یعنی هرچه این موضوع را مرور می‌کنم، می‌بینم که تحول کلید حل مساله است و صرف‌نظر از مفاهیمی که درباره تحول وجود دارد، راهکار اساسی برای وضعیت موجود است. در سال ۱۳۹۳ ایشان گفتند که «فرهنگ از اقتصاد مهم‌تر است؛ چراکه فرهنگ هوایی است که ما تنفس می‌کنیم، ما با بیلد حضور فرهنگ را در همه جا ببینیم.

باید برنامه‌ریزی صحیحی برای وضع موجود داشته باشیم تا به وضع مناسب و مطلوب برسیم. هرچقدر وضع موجود را بهتر بشناسیم؛ برنامه‌ریزی بهتری خواهیم داشت. ما براسیون به اهداف عالی نظام باید پنج گام را طی کنیم. بحث انقلاب و نظام اسلامی را عالی کردیم و سه گام دیگر اعم از دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی باقی‌مانده است. ایشان می‌فرمایند که برای اینکه سه گام بعدی را طی کنیم باید چهار گام بردارایم. گام اول تولید علم و نظریه توسط اساتید، گام دوم تولید علم در حوزه‌های علمیه، گام سوم بسط این موارد در سطوح خرد و گام چهارم گشتمانی است که منجر به ول‌گذاری اصلی می‌شود.

توزیع ارز توسط بانک مرکزی تعجب برانگیز است

محمدعلی بیداری، حسابرس کل ویژه‌دادستانی در دیوان محاسبات کشور

نقطه‌نظرهای جذابی را شنیدیم و چیزی که من را نگران کرد ناامیدی بود که در بین صحبت‌ها وجود داشت. مقام‌معظم‌رهبری بیشترین توصیه‌ای که دارند این است که ترویج ناامیدی در کشور نداشته باشیم. ما دورهم جمع شدیم تا اتفاق خوبی را رقم بزنیم. من مستقیم به سراغ موضوعاتی می‌روم که گریبان اقتصاد کشور را گرفته است و چیزی جز چسبندگی اقتصاد به موضوع ارز نیست. در لایحه پیش‌نویس بودجه نگاه متاسبی به این موضوع شده است که امیدوارم این پیش‌نویس در مجلس مورد بررسی قرار گیرد و نتیجه نهایی چیزی باشد که چسبندگی اقتصاد را کاهش دهد.

متاسفانه در دولت‌های مختلف اقتصاد ارتباط معنادار با رئیس‌جمهور ندارد. اتفاق خوبی که افتاد این بود که فنر کنترل نرخ ارز آزاد شد و نرخ ارز به بهای تمام شده خودش نزدیک شد، این اتفاق می‌توانست در دولت جاری کنترل شود و بهای تمام‌شده تا نمین ارز کاهش پیدا کند. اقدام تعجب‌برانگیز بانک مرکزی توزیع ارز به میزان ۵ هزار دلار در دست اقشار مختلف است. چرا باید چنین اتفاقی بیفتد مگر غیر از این است که دولت‌ها وظیفه حفظ پول را دارند؟

چند نفر از اعضای کمیسیون تلفیق اقتصادی هستند؟

محسن امینی، مدیرکل برنامه و بودجه دانشگاه آزاد

من دو مطلب دارم؛ در کشوری که نرخ عوامل تولید توزیع متاسبی ندارد، مشکل اساسی است. کمیسیون تلفیق تا آخر شب روی بودجه بحث می‌کند اما چند نفر آنها اقتصادی هستند؟ این موارد واقعا مشکل است. این یک سند مالی است که روی تمامی شاخص‌های کلان تاثیر دارد. یکی از مشکلات نیز این موضوع است. اما درمورد بحثی که درخصوص اساتید گفته شد باید بگویم که روند اقتصادی دانشگاه در ۷ سال گذشته به این صورت است. روند درآمدهای شهریه دانشگاه در سال ۹۵ تا حدود ۹۸، زیر ۶ هزار میلیارد تومان بوده است. ولی تلاش‌هایی که در دوره مدیریت جدید انجام شده به این صورت است؛ در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ شهریه ما ۷ هزار و ۵۰۰ بوده است؛ سال پیش ۹ هزار و ۴۰۰ و امسال به ۱۲ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان رسیده است. یعنی شهریه ما از ۶ هزار میلیارد بیشتر شد. ۵ هزار و خورده‌ای نیز برای درآمد غیرشهریه‌ای تخمین زده‌ایم و با مدارس و بیمارستان‌ها نزدیک به ۲۰ هزار میلیارد تومان می‌شود. از ۱۲ هزار میلیارد تومان، ۱۱ هزار میلیارد تومان حقوق است. بسیاری از مسئولان دانشگاه باید وروز ندارند تنها به این خاطر که بتوانند حقوق را بدهند. اگر شکاف بین هزینه و درآمد بخواهد باز شود مشکل خواهیم داشت و برای سال آینده تصمیم داریم که شکاف را مثبت کنیم. هرچه تلاش بیشتری داشته باشیم می‌توانیم به آن برسیم. در بودجه امسال سیر نزولی داشته که دولت توم ۲۰ درصد را پیش‌بینی می‌کند اما افزایش ۲۰ درصد حقوق را پیشنهاد می‌دهد. مسیر پویایی داشته‌ایم نزدیک است. پویایی بسیار اهمیت دارد و باید اساتید به مرور تغییر کنند و بروند و بیایند. برخی از این اساتید در جای دیگری به کار گرفته می‌شوند. پیشنهادهایی دوستان در حوزه اقتصاد دانشگاه دادند که بسیار خوشحال می‌شویم اگر بتوانیم آن بهره ببریم.

یکی از مشکلات اقتصادی مدیریت «لوش‌کن» است!

عبدالحسن فرهنگی، عضوهیات‌علمی رشته‌ارتباشناسی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال

بنده رشته روانشناسی هستم و از دیدگاه روانشناسی مهم‌ترین قانون زندگی قانون باورهاست. زمانی که مدیران ارشد ما به این موضوع باور دارند که پستی خالی نیست، قرعه به نام من افتاده است و نوبت من است که مدتی از حقوق و مزایای آن استفاده کنم، اوضاع این‌طور پیش می‌رود. از آنجایی که از لحاظ روانشناسی، هیچ رفتاری بدون دلیل نیست، از نظر من یکی از مشکلات اقتصادی ما مدیریت «لوش‌کن» است. مدیر پاسخگو نیست و اگر مدیری بخواهد محاکمه شود به‌حدی تماس گرفته می‌شود تا این موضوع کنار گذاشته شود. امیدوارم که این مساله در کشور حل شود.

باید مدل تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را در کشور بسازیم

مهدی رجبیون، عضو دانشگاه آزاد تهران مرکزی

مسائل اقتصادی امروز پیچیده‌هستند و تاثیرات مستقیمی روی جامعه کشور خواهند داشت. برای مثال اگر قرار است تصمیم اقتصادی در کشور گرفته شود، باید یک جامعه‌شناس نیز برای بررسی پیامدهای اجتماعی آن تصمیمات حضور داشته باشد. متاسفانه مدیران سطح کلان کشور تنها مدیر باقی مانده‌اند و مدیر استراتژیک نیستند. مدیر استراتژیک برای تصمیمات کلان از جامعه‌شناس و روانشناس نیز استفاده می‌کند. اگر این امر اتفاق نیفتد، بهترین تصمیمات نیز می‌تواند با مشکلات زیادی روبه‌رو شود. ۴۰۰ هزار مدیر میانی به بالا در کشور وجود دارد که متاسفانه تنها مدیر اجرایی باقی مانده‌اند و باید تصمیمات کشور را عملیاتی کنند. سوال اینجاست که چرا مدیر استراتژیک در کشور تربیت نمی‌شود؟ مدیران ارشد برای ۸۰ میلیون نفر تصمیم می‌گیرند. به عقیده من ما باید مدل تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را در کشور بسازیم. در حال حاضر مدیران میانی کشور به هر دلیلی در دانشگاه آزاد در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری درس می‌خوانند. درنتیجه این دانشگاه ظرفیت بالایی در تولید مدیر استراتژیک خواهد داشت. اگر قرار است جزیره‌ای فکر نکنیم، پس باید آن را تولید کنیم.

یک‌سری تصمیم‌های ناهماهنگ مشکلات متعددی ایجاد کرده است

عباس حیدری، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد تهران مرکزی

متاسفانه در اقتصاد یک‌سری راهبردهایی مطرح شده که جنبه قانون به خودش گرفته است. زمانی که یک‌مدیر می‌داند بازخ